

حتماً از این داستان مستثنی نیست و به نظر من یکی از حساس‌ترین شاخص‌های شفافیت است که می‌تواند در کشور وجود داشته باشد؛ مجلسی که شفاف باشد زمین تا آسمان با مجلسی که شفاف نباشد فرق دارد، همین تک‌بند شفاف کردن آراء مسیر حرکت مجلس را عوض می‌کند و مسیر حرکت مجلس هم به معنای مسیر ریل‌گذاری کشور است؛ لذا ما با یک تصمیم خیلی جدی مواجه هستیم اما احساس می‌کنم خیلی عادی انگاری نسبت به بحث شفافیت آراء می‌شود.

**انتخابات با توجه به مباحثی که درباره قانون انتخابات بیان می‌شود مانند اینکه قانون به گونه‌ای نیست که موجب ورود نمایندگان متخصص و هوشمند شود و از ورود برخی افراد**

**99 باید برای هر کدام از این شفافیت‌هایی که پیشنهاد می‌کنیم مثل شفاف بودن حضور و غیاب نماینده‌ها، شفاف بودن شرح مذاکرات کمیسیون، شفاف بودن وضعیت طرح‌ها، شفاف بودن مهمانان مجلس، تک‌تک آن‌ها باید بررسی شود؛ اینکه ما به طور کلی بگوییم شفافیت خوب است اشتباه فاحشی است. 66**

غیرمتخصص جلوگیری کند و این امر نهایتاً باعث می‌شود که جو روانی بر روی آن‌ها به شدت تأثیر بگذارد مانند نماینده گجساران و باشت راجع مطلب ایشان در فضای مجازی راجع به فشار روانی در مجلس که در چند روز اخیر خیرساز شد؛ با توجه به این نکات، نسبت و تأثیر مسئله شفافیت آراء بر استقلال نمایندگان در وضعیت مجلس که داریم را تبیین بفرمائید.

پرنیان: من نقل قولی از یکی از نماینده‌ها (یکی از نماینده‌های مطرح مجلس همین دوره) بیاورم؛ ایشان که خودش جزء مخالفان طرح بودند می‌گفتند اگر این طرح تصویب شود من یک طرح ارائه می‌دهم که از فردای خواهم حقوق معلم‌ها را ۱۰ میلیون بیشتر کنم یا حقوق بازنشسته‌ها را ۱۰ میلیون بیشتر کنم. آیا کسی جرئت دارد به این رأی ندهد؟ من هم می‌شوم نماینده محبوب و آن‌هایی هم که

به این طرح نمی‌خواهند رأی بدهند نماینده‌های منفور می‌شوند. این بازخورد در دوره‌های بعدی مجلس هم خودش را نشان می‌دهد یعنی در برخی طرح‌ها که در ظاهر به صلاح کشور است ولی در باطن ضرر خواهد رساند، اگر بخواهم برای منافع کشور رأی بدهم، همه روی تابلو می‌بینند و احتمال دارد پایگاه رأی‌ریش کند. در نتیجه رفتار نماینده‌ها به مرور عوض می‌شود و به تدریج نماینده‌ها وقتی می‌بینند نفر به نفر دارد آراءشان شفاف می‌شود و این امر مانع رأی‌آوری مجددشان می‌شود، مطمئن باشید که روی رفتارشان تأثیر خواهد داشت و ممکن است رأیشان را عوض کند.

در تمام جوامع دنیا نگاه این است که فرد متخصص، با فردی که کارش این نیست فرق دارد. اصلاً به خاطر همین است که مردم باید نماینده انتخاب کنند. اگر غیر از این بود که مانند روم باستان می‌گفتیم همه مردم راجع به همه مسائل اظهار نظر کنند، آن هم وطن عزیزمان که مغازه‌دار است، آن عزیزی که کشاورز یا کارگر کارخانه است مگر چقدر وقت دارد که مسائل را تخصصی بررسی کند. می‌گوییم شما بیایید یک نفر را انتخاب کنید که این آدم تخصص بیشتری دارد و کارش بررسی تخصصی این مسائل است. حال اگر قرار باشد آن‌هایی که این فرد را انتخاب کردند هر روز در تصمیمات تخصصی او بخواهند دخالت کنند و اثرگذاری داشته باشد این مسئله چه وجه تخصصی‌ای پیدا می‌کند؟

**فردی که نماینده مجلس می‌شود چقدر دارای استقلال است و با شفافیت آراء استقلالش تا چه حدی امکان دارد مخدوش می‌شود؛ برای مثال مطرح می‌شود که منتخب مجلس، وکیل مردم است و مردم باید از کارهای او کاملاً مطلع باشند.**

پرنیان: یکی دیگر از بحث‌هایی که مطرح می‌شود همین است که ما وکیل انتخاب کردیم و باید بدانیم وکیلان دارد چه کاری می‌کند؛ من در حقیقت ندیدم این بحث یک مثلاً منبع مشخص داشته باشد، یا مثلاً جایی راجع به آن بحث شده باشد و اثبات شده باشد که نماینده مردم در پارلمان همچون وکیل است برای موکل که باید از همه کارهایش اطلاع داشته باشد. اگر ما این را به عنوان اصل بپذیریم خیلی خطرناک است. وقتی ما می‌گوییم نماینده، وکیل مردم است، آیا

نماینده‌های کمیسیون امنیت ملی هم باید تمام مسائلی که در کمیسیون مطرح می‌شود را در اختیار مردم قرار دهند؟ نه کمیسیون امنیت ملی بلکه کمیسیون‌های دیگر که بحث‌های تخصصی می‌کنند. رهبری که بسیار پیگیر بحث کرسی‌های آزاداندیشی بودند و می‌دانید که رشد دادن جامعه جزو رویکردهای کلان ایشان است. با این وجود بارها می‌بینید که آمدند صحبت کردند و گفتند جای بحث‌های تخصصی کف رسانه و کوچ و بازار نیست؛ برای بحث تخصصی باید در محیط تخصصی بروید؛ چون بحث تخصصی در محیط عوامانه آسیب‌زننده است و آن کار تخصصی را هم خراب می‌کند؛ این یک منطق خیلی واضح است. در همین صحبتی که اخیراً با نماینده‌ها داشتند به وضوح گفتند جاهایی هست که جامعه تحت تأثیر یک جوی قرار می‌گیرد و می‌خواهد به آن سمت برود؛ شما نباید اصلاً توجه کنید به اینکه چه جوی بر جامعه حاکم شده و به اصطلاح جوگیر نشوید؛ این حرف خیلی مهمی است، جوگیر نشوید یعنی اینکه فضای عمومی جامعه دارد چیزی را مطالبه می‌کند که اشتباه است و رهبری هم به این قائل است که این امکان وجود دارد. لذا بحث وکیل و موکل و این داستان‌ها نیست؛ حتی در مورد خود وکیل وقتی شما می‌خواهید یک لایحه در دادگاه بنویسید و وکیل شروع می‌کند لایحه نویسی، شما به آن می‌گویید چه بنویسد یا او می‌گوید شما چه بنویسید؟ معلوم است که او می‌گوید شما چه بنویسید؛ چون او تخصص دارد. پس ما باید یک تفکیک بین بحث‌های تخصصی و بحث‌های عمومی قائل باشیم؛ بله در لایحه عمومی، این جامعه و مردم هستند که مسیر حرکت کشور را تعیین می‌کنند. این هم در ارزش‌های اولیه انقلاب بوده، هم در گفتار امام بوده، هم در گفتار رهبری بوده و واقعاً هم به نظر من در سطح کلان تا حد خوبی به آن عمل شده؛ مثلاً بحث برجام است، بالاخره در سطح کلان ما مسیرهای حرکت کشور را تقریباً مطابق آنچه مردم خواستند حرکت دادیم و باید نگاه کنیم که خواسته‌های مردم چیست؛ اما وقتی این در لایحه تخصصی می‌آید که نباید شروع کنیم این بحث‌ها را وسط جامعه مطرح کنیم.

**به مسئله تبصره ذیل ماده ۱۲۲ که بحث رأی‌گیری مخفی را مطرح می‌کند بپردازیم؛ به**